

باختر امروز

« جریده باختر امروز »
نشرة
منظمات الجبهة الوطنية الایرانية
في الشرق الاوسط
العدد الثامن والاربعون
السنة الرابعة
تشرين الثاني ۱۹۷۳
الطبعة الرابعة

انتشارات جدید:

از طرف سازمانهای جبهه ملی ایران دو
خاورمیانه جزوات زیر بزبان عربی انتشار
یافته‌اند .

- ★ النفط وایماد تاجر الشاه
- ★ استمرار الثورة فی ایران
- ★ روزنامه ایران الثورة شماره سوم

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین طاعمی
نشره سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
« بخش خاورمیانه »

نیمه دوم آبان ۱۳۵۲

دوره چهارم

شماره ۴۸ - سال چهارم

مبارزه مسلحانه و جنبش کارگری در ایران

در باره

اشغال « بانک امریکا » در بیروت

روز ۱۸ ماه اکتبر در حینی که جنگ اعراب و اسرائیل با شدت ادامه داشت چهارتن از مبارزین لبنانی که خرد را عضو « جنبش انقلابی سوسیالیست لبنان » معرفی می کردند « بانک امریکا » در بیروت را اشغال نمودند . آنها مسلح به مسلسل و مواد منفجره و نارنجک بودند و ۳۵ تن از کارمندان بانک و مراجعین را بگروگان گرفتند . مبارزین مذکور عملیات خود را در خدمت خلق فلسطین و نیروهای عربی درگیر در جنگ طرح ریزی کرده و برآین نظر بودند که : « موضع گیری در برابر اسرائیل وقتی صحیح است که عین همان موضعگیری را در برابر منافع امپریالیسم امریکا داشته باشیم . . . غیر ممکن است که بتوان بین منافع امپریالیسم امریکا و اسرائیل فرق گذاشت . توده های خلق عرب و همه حکومت های عربی بخوبی درک میکنند که موضعگیری امریکا در مورد آزادی سرزمینهای اشغالی چیست . امریکا کمک های نظامی و اقتصادی و انواع کمک های سیاسی به اسرائیل میکند و این را بایستی تمامی اسلام میکند ، حتی از این هم بافراتر نهاده مازا تهدید به دخالت مستقیم نظامی بنفع اسرائیل میکند ، باین خیال که مانع از آزاد ساختن سرزمینهای اشغالی شود و خلق های عرب را بزالو در آورد . این را حال دیگر همه می فهمند ، حتی راست ترین جناحها و محافظه کارترین گروه ها .

با توجه باینکه « جنبش انقلابی سوسیالیست لبنان » با صحت موضعگیری توده های خلق نسبت بمنافع امپریالیسم امریکا معتقد است و پهل و اهداف توده ها در موضعگیری علیه امریکا ایمان دارد ، اینطور تشخیص میدهد که هشت پای امپریالیسم امریکا را که در سراسر کشورهای عربی ریشه دوانده باید مورد حمله قرار داده و بمنافع اقتصادی آن چه نفت ، چه موسسات بانکی و غیره . . ضربه زد . موضع گیری صحیح نسبت باین هدف اقدام به عمل است و توده های خلق نیز همین را میفهمند و میخواهند . . . مدتهاست که در لبنان که یکی از پایگاه های بزرگ سرمایه داری غرب بخصوص امپریالیسم امریکا در خاورمیانه است ، شعار ضربه زدن بمنافع امریکا از طرف نیروهای مترقی عرب داده میشود . در اوائل سال جاری در لبنان شعارهای استفاده از نفت بعنوان سلاح مبارزه علیه دشمن ، تحریم کالاهای امریکائی و قطع روابط سیاسی و اقتصادی یا امریکا چنان اوج گرفت که حتی « جبهه عربی پشتیبان مقاومت فلسطین » که تحت رهبری کمال جنبلاط قرار دارد و از اقلیه احزاب مترقی و میانه روی عرب بوجود آمده است برنامه ای در این زمینه ارائه داد . طبق این برنامه می باید از تاریخ ششم ماه مه ۱۹۷۳ کالاهای امریکائی در میدانهای عمده بیروت به آتش کشیده شود و در دیگر کشورهای عربی نیز اجرای این برنامه دنبال شود . از آنجا که اجرای این برنامه جدی ، بمنافع امپریالیسم امریکا لطمه میزند ، دولت

بقیه در صفحه ۲

صورت وجود بقیه عوامل مساعد قابلیت و قدرت آنها دارند که در راه ایفای رسالت تاریخی طبقه خود قدم به پیش گذارند . اما صرف وجود پروسه اینچنین رشدی ، بدان معنی نیست که پس این مبارز همانجا و بیکاره تا بآخر میتواند بدون پستی و بلندی رو ببالا برود . عدم وجود یک سازمان سیاسی معتقد و مومن به ایدئولوژی طبقه کارگر که بتواند کارگران را به سلاح ایدئولوژیک طبقه ای مجهز کرده ، آنها را سازمان داده و تا بآخر خردمندانه رهبری کرده و به پیش راند ، مسئله ای بود که مانع پیروزی قاطع زحمتکشان شد تا اینکه بالاخره کودتای خائنه ۲۸ مرداد اتوانست به نیروهای ارتجایی و ضد کارگری فرصت دهد که با قساوت تمام و اتصال متدهای فاشیستی جنبش کارگری را سرکوب نموده و دوره ای از خفقان شدید را بر محیط کارخانه ها و کارگاهها ، همانند دیگر اجتماعات خلقی ، تحمیل نمایند . در این دوره که کوچکترین حرکت اعتراضی کارگران در هم شکسته میشد ، حرکت های خودبخودی کوچک و پراننده ای بوقوع میبویستند که مهمترین آنها مبارزه قهرمانانه

بقیه در صفحه ۲

شعری از

مجاهد شهید رضا رضائی

غم ما غم نیست
غم ما بار غمهاست
بار غم بار هزاران رخ بی رنگ پر خسار
بار صد چشم بلر دوخته
بار امید هزاران شب تاریک و پندون سحر است
سخن از آتش باید گفت
رنگ رخسار به آتش سرخ است
غم و غمبار باتش زیباست
من ، نمی اندیشم
جو فردای شب تاریکم
من ، نمیاندیشم
جز بزنک می و یاروت
من نمیاندیشم جز بمیدان نبرد
سخن از ماندن و ماندنها نیست
سخن از رفتن هم نیست . .
سخن اینست که خاکستر تو
تخم رزم آورد دیگر باشد
سخن از سوختن است
سخن از ماندن و ماندنها نیست
سخن از تاثیر است
سخن از شاهد ★ هاست
همین !
★ نمونه

★ اعتصاب کارگران کارخانه کفش ملی با بدست آوردن ده در صد اضافه حقوق خاتمه یافت .
★ کارگران کارخانه اریا - شورولت اعتصاب کرده ، یکی از مدیران امریکائی کارخانه را کتک زده و ۲۵ در صد اضافه حقوق کسب کردند .
★ در مبارزه کارگران کارخانجات ارج ده نفر از کارگران دستگیر شدند .

★ کارگران شرکت گاز دست بااعتصاب آرام زدند بعد از دستگیری نماینده کارگران پانها قول رسیدگی داده شد .
★ کارگران پالایشگاه نفت آبادان بخاطر اضافه دستمزد اعتصاب کردند .
★ در اعتصابات یبایی کبریت سازی زنجان ، سه کارگر دستگیر شدند ، ولی در اثر تهدید کارگران آزاد گردیدند .
★

در چند ماهه اخیر ، مبین ما شاهد تظاهرات و اعتصابات کارگری متعددی بوده که اخبار مهمترین آنها را در این شماره و شماره های ۴۶ و ۴۷ باختر امروز بچاپ رسانده ایم . اهمیت یکنائی که طبقه کارگر در پروسه مبارزه انقلابی دارا است و رسالت تاریخی که بر دوش این طبقه است ، هر سازمان انقلابی صادق و معتقد بمبارزه سیاسی جدی را بر آن میدارد که تا حد امکان ، بطور مداوم حرکات موجود کارگری را سنجیده و با رهنمود گرفتن از واقعیات منتجه ، در جهت ارتقاء کمی و کیفی این مبارزه نیرویش را بسیج نموده و بمیدان مبارزه بکشانند .

جنبش کارگری ایران دارای تاریخچه گرانبهایی است که مانند هر جنبش دیگر همراه با فراز و نشیبهایی بوده است . همراه با رشد کمی طبقه کارگر ، اولین باریکه این طبقه بعنوان یک نیروی توده ای وسیع با بحره سیاست ایران گذاشت ، پس از دوران ارتجاع سیاه رضاخانی بود . فقر و استثمار شدید کارگران ، وجود شرایط کمابیش دموکراتیک برای فعالیت سیاسی ، وجود یک جو سیاسی مناسب در ایران و نیز فعالیتهای سندیکائی وابسته باحزاب سیاسی ، اهم عواملی بودند که دست در دست هم ، در آنک مدتی کارگران ایران را در سندیکاهای کارگری متشکل کرده و نه تنها در مبارزات اقتصادی بلکه در فعالیتهای سیاسی هم آنها را درگیر نمودند . بدین ترتیب کارگران مبین ما ثابت کردند که در اولین فرصتی که بدست آنها میافتد و بمحض اینکه فشار سرنیزه ارتجاع کم میشود ، آنها برای کسب حقوق حقه خود دست بمبارزه وسیع توده ای میزنند و در

از جمله مسئولان بار که خشت مبارزه را خشت انقلاب بنا کردند

بقیه - مبارزه مسلحانه

کارگران کوره‌پزخانه‌های تهران بود که پوسینه دژخیمان رژیم بخون کشیده شد. سالهای پیمان اقتصادی - سیاسی ۴۲-۳۹. بعثت شرایط نسبتاً دموکراتیک اجتماعی که در اثر ضعف رژیم بوجود آمده بود، و همچنین یک جریان سیاسی (هر چند که از روبری و پیش قاطمی برخوردار نبود)، به کارگران میهن ما مجال داد که بار دیگر در پی طرح خواسته‌های خود و اعتراض بشری بد زندگی خویش برآیند.

تا هنگام شروع مبارزه مسلحانه، برای رژیم راه مقابله یا اعتصابات و مبارزات کارگری بسیار روشن بود. سرکوب شدید کارگران، به پندار آنان نیرو می بخشید که در مقابل رژیم چاره‌ای جز تسلیم ندارند. اعتصابات پراکنده‌ای هم که اتفاق می‌افتادند، چندان اثر ملموس واقع نمی‌شدند.

مبارزه مسلحانه با این هدف اعلام شده با پیمان گذارد که پاره‌ای از این سدهای سیاسی را بشکند، پندار کارگران و دیگر نیروهای خلقی را در مورد قدر قدرتی رژیم دو هم بریزد، و در یک جریان سیاسی برای ایجاد جو سیاسی جدید بوجود آورد تا نقاط ضعفی را که در معادله گذشته خلق - رژیم وجود داشت بهم بزند. عبارت دیگر، در سالهای خفقان، مهمترین سئوالی که در مقابل مبارزین معتقد به ایده‌نولوژی طبقه کارگر وجود داشت این بود که با وجود فقر و استثمار شدید، با وجود تاریخی چندین ساله مبارزات توده‌ای کارگری، با وجود فعالیتهای این روشنفکران در میان کارگران چرا طبقه کارگر در مبارزه «حتی ترید یونیون» درگیر نمی‌شود و جوب پیشاهنگان انقلاب این بود که شکست مبارزات گذشته، وجود خفقان پایسی و فقدان سازمانهایی که صداقت انقلابی خود را ثابت کرده باشند، جمعا از عوامل مهم فقدان این حرکت بودند. بنابراین برای ثبوت ضربه‌پذیری سیستم پلیسی، برای ثبوت امکان ضربه‌زنی به آن از طرف نیروهای انقلابی و برای نشان دادن صداقت انقلابی، در عمل و نه فقط در حرفه، باید عامل قهر انقلابی را به مجموعه گذشته اضافه کنند.

مبارزه مسلحانه به دو گزیه آرامش دلخواه رژیم را بوم زد. از یکطرف جو سیاسی تازه‌ای را ایجاد کرد که در آن کارگران ضربه‌پذیری رژیم را دیده، هر روزه بمسائل سیاسی تازه‌ای برخورد کرده و از وجود یک جریان سیاسی، جریانی و جنبشی علیه رژیم، متاثی شده‌اند. و از طرف دیگر بخاطر وجود چنین جنبشی، گردانندگان رژیم و مامورین ساواک دیگر آن میدان خالی را در اختیار ندارند و باید وجود مبارزین مسلح را در محاسبات خود در نظر بگیرند. یعنی عناصری که در راس نیروهای ارتجاعی هستند، کمتر یا بیشتر، با اهمیت مبارزه مسلحانه و تاثیر آن بر جنبش کارگری آگاه شده و در نتیجه، بسته به عمق بینش خود و همچنین امکاناتی که از جهات مختلف در اختیارشان قرار دارد، سعی میکنند و یا لاقیل میل دارند که جلوی «تجربه اعتصابی کارگران» را در شرایط وجود مبارزه مسلحانه بگیرند. نتیجتاً، رژیم بعنوان نماینده و مدافع سیستم سرمایه‌داری، پاره‌ها خود را مجبور دیده است که برای جلوگیری از کسب تجربه موثر بودن حربه اعتصاب برای کارگران، برای دفاع از منافع دراز مدت سرمایه‌داری تا حدودی کوتاه بینی‌های سرمایه‌داری تازه بدوران رسیده ایرانی را در مواردی، تعدیل کرده، و بتواند یک عمل ضد انگیزه‌ای «آن چیزی را که بعد از اعتصاب، اجباراً بکارگران میدادند»، قبل از شروع اعتصاب بآنها داده و صدهای بیشتر را پسا گمک سندیگاههای لابی و ضرب قلدری کاهش دهند. در فلان کارخانه‌ای که کارگران به مزد کم، شرایط بد محیط کار، ساعت طولانی و... اعتراض میکنند، قبل از اینکه کار با اعتصاب بکشد، اضافه حقوق ناچیزی را تعیین کرده، بکمک

سندیگاههای لابی و بشکرانه عدم وجود سازمان متشکل، آگاهی و تجربه کافی کارگران و بالاخره زور سرنیزه، از وقوع اعتصاب جلوگیری میکند. این نخره عمل، آن چیز است که عقلا رژیم دلشان میخواد انجام بشود. یعنی اینکه تا آنجا که بتوانند قبل از شروع اعتصاب، آنرا خفه کنند - و یا اگر اعتصاب شروع شد، تا حد امکان بدون برخورد شدید، کارگران را ساکت کرده و سپس مزاحمین را از بین ببرند.

بهر حال آرزوی آنها همیشه برآورده نمی‌شود و بسیاری از مواقع، شرایط موجود نحوه عمل دیگری را به آنها تحمیل میکند، یعنی قول و قرار آنها کارگران را راضی نمی‌کند، اضافه دستمزد و عقب نشینیهایی که رژیم به آنها راضی است بهیچ وجه خواست کارگران را بر نمی‌آورد و مخصوصاً در حالیکه تورم بیداد می‌نماید، این پیشگیریهای رژیم هیچ دردی را دوا نمی‌دارد.

گفتیم که رژیم مایل است و آرزو دارد که این اعتصابات را پیشگیری کند ولی در حالیکه روحیه مبارزه جویانه‌ای، هر روز بیشتر و بیشتر در کارگران میهن ما بیدار میشود، در حالیکه شرایط زندگی فلاکت بار کارگر ایرانی، اگر بدتر از پیش شده باشد بهتر هم نشده، در حالیکه ضعف رژیم و عدم تواناییش برای مقابله با تورم (که مولود سیاستهای خود رژیم است) هر روز عیانتر میگردد، چاره‌ای بجز این نیست که مبارزه بین استثمارگر و استثمار شده تشدید شود و رژیم هم بنا به اهیت طبقاتی خود چاره‌ای بجز این ندارد که در خدمت استثمارگر، کارگران میهن ما را تحت فشار قرار دهد.

این بحثی کلی است که بخصوص در پروسه تکاملی تاریخی آن مصداق پیدا میکند، یعنی به صرف و پلافاصله پس از وجود استثمار شدید و ظلم و ناحق، کارگر مبارزه کشیده نمی‌شود و واقعیات هم بجز این چیزی را بما نشان نمیدهند. ولی همین واقعیات نشان میدهند که اکنون این تعداد اعتصابات است که زیاد میشوند، خواسته‌های کارگران است که هر روز تبدیل پخرست‌های رادیکالتر میشوند و اراده‌های آنهاست که مصمتر میگردند. و این درست آن چیزی است که پیشاهنگان مبارزه مسلحانه، قبل از شروع مبارزه پیش بینی کرده بودند.

هنوز تا جنبش توده‌ای انقلابی کارگران، تا تکامل جنبش متشکل، سازمان یافته و آگاه طبقه کارگر راهی پس طولانی در پیش داریم. لازم است که توده‌ها و عناصر مترقی رهبری کننده آنان، وقایع تاریخی را بیازمایند و میانه‌های خود را برای سنجش آنها بدست آورند، لازم است که در داخل این توده کارگرانی باشند که تجربه پیروزی و شکست اعتصاب را چشیده باشند، «کاروانسراستکی» را دیده باشند، لازم است که طبقه کارگر میهن ما بتواند نیازهای واقعی خود را هر چه روشنتر و دقیقتر دیده و فرهنگ انقلابی خود را تکامل دهد بتواند دور نمای انقلاب را مجسم کند، و بالاخره لازم است که در روند مبارزه، بین جنبش خود بخودی کارگران و جنبش مسلحانه پیشاهنگان پرولتری رابطه معنوی - سیاسی کنونی به پیوندی سیاسی تشکیلاتی ارتقا یابد.

بهر حال بامید روزی که این نمونه‌های مبارزاتی هر چه بیشتر و وسیعتر باشند، از یکی دو نمونه آن که در شماره‌های قبل باختر امروز آمده، ذکر می‌آوریم.

کارخانه کفش ملی از نمونه‌های بارز است که در آن دسترنج کارگران ایرانی به نسبت وحشتناکی بفاتر می‌رود، در چند سالی که از تاسیس آن میگذرد فقط سر قلی فروشگاهها و نماینده‌های این کارخانه در شهر تهران، بیش از صد مایون تومان شده است و تازه صاحبان کارخانه با وقاحت تمام دم از ضرر کردن میزنند و تقاضاهای کارگران را برای اضافه دستمزد نادیده میگیرند. کارگران کارخانه هم که تضاد ما بین حقیقت و ادعای ضرر

صاحب کارخانه را در یافته‌اند هر روزه در خواسته‌های خود جدیتر میشوند و پس از اعتصابات پیایی، کارخانه اسما بدولت واگذار شده و یک سرهنگ ارتشی برپاست کارخانه منصوب میشود. کارگران کفش ملی باز هم تقاضاهای خود را مطرح میکنند و چون قولهای جنبه سرهنگ، که به سر شاهنشاه قسم خورده بود دروغ از آب در می‌آید دوباره اعتصاب میکنند. در اینجا است که جنبه سرهنگ تمام زستهای «کارگر دوستی» رژیم را فراموش کرده، و با چند کامیون سرباز و ژاندارم بمیان کارگران آمده و با اشاره بمسلسلهای میگوید «دوست دارم بسر کار نروید... کاروانسراستکی را در اینجا پراه می‌اندازم» ولی در کنار این تهدید قلدرانه، قبول میکنند که در صد اضافه حقوق کارگران را عملی کنند و مجبور میشود که این کار را انجام دهد. و پابین ترتیب، کارگر کفش ملی، اگر هم «کاروانسراستکی» را نمیشناخت، بوسیله نطق جناب سرهنگ و مسلسلهای ارتشی از آن آگاه شد. و اگر امروز رژیم ددمنش ایران اینچا و آنجا گهگاهی مسلسلهایش را برخ میکشد، مبارزه اوج گیرنده کارگران مجبوروش خواهد کرد که هر روز و هر ساعت، بیشتر و عریانتر، خونخواری خود را بکارگران میهن ما بنمایانند.

اما مسئله اعتصاب کارگران کارخانه آریا شورت‌ت شاهد دیگری است که از روحیه مبارزه‌جویانه کارگران حکایت میکند. در این اعتصاب، کارگران یکی از مدیران آمریکائی کارخانه را کتک میزنند و وحشت رژیم از این مسئله بدان حد است که نه تنها ۲۵ در صد اضافه حقوق کارگران را به آنها میدهد بلکه اصولاً «فراموش» میکند که اینطور واقعه‌ای هم اتفاق افتاده بود و از ترس بدتر شدن اوضاع، واقعه را دنبال نمی‌کند.

اینگونه اعتصابات نشاندهنده بالا گرفتن جنبش کارگری در ایران است که در سالهای خفقان پس از ۴۲ نمونه‌های بسیار معدودی از آن یافت میشد. رژیم ایران که از تداوم جنبش مسلحانه و تاثیر آن در بین کارگران ایرانی آگاه است، مسلماً گوشمالی یک آمریکائی را بعنوان اعلام خطر میپذیرد و خوب میداند که این رشته سر دراز دارد. از طرف دیگر کارگران این کارخانه در کار خود متخصص بوده‌اند و برای رژیم اتقدرها هم ساده نیست که آنها را پانگاه ارتش ذخیره کار از کارخانه بیرون کند، چه آنگاه میباید خود کارخانه را نیز تعطیل میکرد. و از این دو برای جلوگیری از تداوم اینگونه اعتصابات، برای گوشمالی «خوابکاران» و «مجرمان» دست باخترج ۱۲۵ نفر از ۷۰۰ کارگر کارخانه میزند و البته مطابق معمول سعی میکند که تا حد امکان از بخش اخبار مربوط باین اعتصابات جلوگیری کند. غافل از اینکه یکبار دیگر و یکجای دیگر، این کارگران سر بر خواهند آورد.

این جنبشها هنوز از تداوم کافی بر خوردار نیستند و اکثراً در محدوده یک کارخانه، کارگاه یا موسسه معین باقی میمانند، سازماندهی و وسعت کافی ندارند - ولی در هر صورت کثرت آنها نسبت بگذشته، پیروزیهایی که در زمینه‌های اقتصادی بدست میآورند و یکبارجویی که بیش از پیش در صفوف آنها بچشم میخورد، در حد خود دلالتی هستند که آینده بهتری را برای جنبش کارگری نوید میدهند و کمک میکنند که کارگران میهن ما عملاً تجارب مبارزاتی جدیدی کسب کرده، به آگاهی بیشتری از موقعیت اقتصادی - اجتماعی طبقه خود پی برده، قدرت طبقاتی خود را دریافته دشمنانشانرا بهتر شناخته و نتیجتاً نهال انقلاب میهن ما را هر روز دریشه‌دارتر گردانند و در یک کلام نوید دهنده جنبش اوج گیرنده کارگران میهن ما میباشند.

با ایمان به مبارزه بحق کارگران، بامید آنکه آوای هرچه بلندتر مبارزه کارگری ناقوس هرگ ارتجاع را بصدا در آورده و فرا رسیدن قافله انقلاب را نوید دهد، در راه خدمت و شرکت عملی در این مبارزه بکوشیم.

بقیه - اخبار

صدای انقلاب ظفار در شماره ۶۴ - تاریخ ۱۱ اوت ۱۹۷۳ مینویسد :
ایرانیها و اردنیها شهرهای ظفار را به کاباره‌های شبانه تبدیل کرده‌اند

یک حالت وحشت و نفرت نسبت به مامورین مرتجع و استعمارگر خارجیان پنه مردم شهرهای ظفار پدر نتیجه عملیات غیر انسانی اردنیها ، ایرانیها ، بلوچها و دیگران بوجود آمده است . سربازان و شاغلین دولتی برای مستی و انجام کارهای خلاف ، شهرهای ظفار را به کاباره تبدیل کرده‌اند . در این شهر از دست این سربازان و شاغلین خارجی که بدختران تجاوز میکنند هیچ دختری در امان نیست . اعمال غیر اخلاقی آنان باعث میشود که هیچ دختری پا به بیرون نگذارد .

★ اعتصاب کارگران کارخانه کبریت سازی زنجان - در اوائل تیرماه کارگران کارخانه کبریت سازی زنجان بخاطر عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان در اعتصاب قبلی در مدت معین (که صاحب کارخانه و اداره کار معین کرده بودند) ، در سه نوبت دست از کار کشیدند . دفعه اول بمدت دو ساعت ، دفعه دوم ۵ ساعت و دفعه سوم ۷ ساعت . کارگران در حیاط کارخانه اجتماع کرده و خواسته‌های خود را ابراز داشتند :

۱ - اضافه کردن مزدها (مزد اولیه کارگران زن ۵۰ ریال و بچه‌ها ۲۵ - ۳۰ ریال است)
۲ - طبقه بندی مزدها بر حسب تخصص و سابقه کار

در این اعتصاب سه کارگر جوان دستگیر میشوند ولی کارگران مقاومت کرده و میگویند « یا این سه نفر باید آزاد شوند یا همه ما را به ساواک ببرید » . این همبستگی ساواک را مجبور به عقب نشینی و آزاد کردن سه کارگر میکند .

ابو حسین ثروتمند معروف و صاحب کارخانه پیشنهاد میکند که ۳۰۰۰ نفر از کارگران اخراج شوند تا او بتواند به بقیه اضافه کار و اضافه مزد بدهد ولی این امر نیز با مقاومت کارگران آگاه روبرو و میشود .

★ در تاریخ ۵ خرداد ماه میخواستند مجاهد مشار زاده محرابی را به « کمیته » ببرند . زندانیان مقاومت میکنند و بین آنان و پلیس زد و خورد میشود . بالاخره نیروی کمکی میاید و پلیس‌ها را رها میکند و مسئله انتقال مشارزاده منتفی میشود .

★ روز کنکور در هنرهای عالی نارمک داوطلبان و پلیس زد و خورد کرده و یک نفر دستگیر شده است .

★ روز پنجم تیرماه در دانشگاه تهران ترائکتهائی در تجلیل از خاطره شهادت مجاهد قهرمان رضا رضائی و شهدای گرانقدر نادر شایگان و حسن رومینا بخش شد ...

★ افراد گارد دانشگاه پس از هر زد و خورد با دانشجویان « حق باتوم » میگیرند که از ۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ ریال است . بهمین مناسبت سعی میکنند که کوچکترین مسئله را به درگیری بکشانند ...

★ هنگام برگزاری مسابقات شنا بین تیم ایران و اسرائیل با وجودی که باطلها قبلا فقط به افراد مورد اعتماد فروخته شده بود زد و خورد در میگردد ، ۵ نفر از ورزشکاران بایسن طلت از دور مسابقه حذف شده‌اند .

★ شهرپانی گاری دستي حمالها و دست فروشها را جمع میکند آنها را میسوزاند یا به بهانه‌های مختلف از آنها جریمه میگیرد . اخیراً دو یاسبان در میدان صفاری ۷ - ۸ عدد از این گاریها را جمع آوری کرده در کامیونی میریزند که ببرند . حمالها رقبایشان را جمع میکنند و دسته جمعی به یاسبانها حمله کرده و پس از

کنک مفصل آنها را در شعبه کفشی بلا زندانی میکنند و خود گاری‌هایشان را از کامیون برداشته فرار میکنند . جالب اینکه عده زیادی از مردم شاهد این جریان بوده‌اند و راه بند آمده و منطقه موقتا در اشغال حمالها در آمده بود .

★ شایع است که در تاریخ ؟ مرداد در خیابان ظفر ، داوآدیبه بانک اعتبارات تعاونی مورد حمله قرار گرفته و چون برای مصادره موجودی تحصیل دار مقاومت میکند کشته میشود . هنوز جزئیات دیگر قضیه روشن نیست .

★ روز پنجشنبه دهم آبانماه ۵۲ دو نفر از اعضای حزب دموکرات کردستان ایران ، عزیز مصطفی زاده و محمد صدیق ، بفرمان شاه جنایتکار تیرباران شدند . این دو مبارز در روز ۲ فروردین ۵۲ در طی یورش وحشیانه جلادان رژیم در پاته دستگیر شده بودند (در جریان این یورش قادر وردی عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات بشهادت رسید) ، و طی یک محاکمه قلابی نظامی محکوم به اعدام شدند .

★ بعد از سقوط دو دانشجو از بالکن کوی دانشگاه (خیر آن مدتی پیش در روزنامه‌ها درج شد) از ورود کلیه مهمان‌های دانشجویان (که اکثرآ دانشجو بوده و برای مطالعه یا بخرهای سیاسی و تبادل نظر پیش آنها میآمده اند) جلوگیری بعمل آورده اند (بهانه آنها اینستکه طبق مقررات کوی ورود مهمان ممنوع است و در اینصورت ، اگر اتفاقی بیفتد مسئولین کوی مسئول خواهند بود) .
کوی دانشگاه - (امیرآباد) - در تاریخ ۲۳ مرد آدامه مامورین ساواک با همکاری گارد دانشگاه و گارد شهرپانی و ژاندارمری در ساعت ۱۲ شب به کوی دانشگاه یورش برده و تمام دانشجویان وعده ایکه مهمان آنها بوده اند از خواب بیدار و همه را در حالیکه دستهایشان را روی سرشان گذاشته بودند ، تا صبح سر با نگهداشته‌اند حدود ۴۰۰ نفر را با اتوبوس به ساواک میبرند . پس از دو روز ۲۰۰ نفر از آنها را آزاد کرده و بقیه را نگهدارند ، که تاکنون اسیرند . گویا از اطاق بعضی از دانشجویان ماشین پلی کبی و تایپ بدست آمده است . ضمناً لیستی بدست ساواکیها بوده و افراد مشخصی را میخواستند دستگیر کنند .

بهر روز دهقانی چریک حماسه آفرین :

یکی از مبارزین ایران از زندان درباره بهروز دهقانی چنین مینویسد :

« بعد از شکنجه‌های متنوع که بر پیکر سترگ این چریک وارد کردند پاسخی که شنیدند سکوت بود و حداکثر جمله‌ای که از دهان این چریک شنیده میشد این بود که من هیچ چیز نمیدانم ... من هیچ چیز نمیدانم ... در مرحله بعدی دژخییمان خونخوار دنده‌های قفسه سینه این چریک فدائی خلق را شکستند ، صدای شکستن استخوانهایش هنوز هم در گوشم طنین انداز است . شکنجه‌های بیرحمانه ادامه داشت و جواب بهروز همان سکوت بود و انکار . و گاهی همراه با نعره‌ای وحشتناک و ... و سکوت . و بطوریکه از گفتگوی جلادان و بازجویان و دیگر جریان‌ات پیدا بود و دستگیرمان شد ، اینبود که با شلاق سیمی و دیگر ابزار شکنجه به نقاط مختلف بدن بهروز ضربه وارد میکردند و در نتیجه تحریک بدن ، استخوانهای شکسته در گوشت بهروز فرو میرفت ... و با بمردی و دوباره شکنجه . از این راه نیز نتیجه‌ای حاصل نشد . جلادان از آجاق برقی استمداد جستند و چندین بار و چند ساعت متوالی بهروز قهرمان را سوزاندند ، باز هم

بقیه - اشغال « بانک امریکا »

امریکا با نفوذی که بروی دولت دست نهاده لبنان دارد ، در این زمینه پیش‌دستی کرده و توطئه سرکوب نیروهای فلسطین و سازمانهای مترقی را در ماه مه توسط نیروهای ارتش لبنان هموقع اجرا گذاشت و بدینوسیله از بروز حوادث « ناگزیر » علیه منافعی جلوگیری کرد ...

عملیات مبارزین « جنبش انقلابی سوسیالیست لبنان » در جهت مصادره پولهای « بانک امریکا » که سالیانه ۵۰ میلیون دلار باسراپیل کمک میکند ، را در ادامه برنامه قبل و بدنبال طرح وسیع شعارهای فوق و از جمله لطمه بمنافع امپریالیسم امریکا باید دانست .

خواستهای مشخص مبارزین آنطور که در اعلامیه‌شان ذکر شده پایان قرار بود :

۱ - بانک امریکا باید فوراً مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار کمک جنگی به مصر و سوریه و سازمان مقاومت فلسطین پرداخت کند . (در صورت عدم قبول سازمان مقاومت فلسطین به جنبش ظفار و یا به کارگران کارخانه غنود در بیروت که عده‌ای از آنها چند ماه پیش در جریان یک اعتصاب و درگیری با پلیس کشته شدند داده شود) .

۲ - حکومت لبنان باید کلیه زندانیانی را که بدلائل سیاسی و مبارزاتی زود در بازداشت بسر میبرند آزاد کند ...

۳ - رفقای زندانی ما (یادکر نام ۸ نفر) باید آزاد شوند .

۴ - « جنبش انقلابی سوسیالیست لبنان » بخاطر اعتمادش به جناب سفیر جمهوری الجزائر ، از ایشان میخواهد که برای تحقق خواسته‌های فوق بین ما و حکومت لبنان میانجی شود .

گرچه در این عملیات که نیروهای پلیس و ارتش لبنان دخالت کردند و طی زد و خوردی که منجر به قتل دو مبارز و دستگیری بقیه آنان و همچنین کشته شدن یک پلیس و یک امریکائی گردید ، با عدم موفقیت روبرو گشت ولی از فردای آنروز جریان واقعه در سطح وسیع در میان مردم کشورهای عربی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نیروهای مختلفی مجبور به موضعگیری در این زمینه شدند . « حزب کار کمونیست لبنان » و « حزب بعث لبنان » اعلام کردند که بهیچوجه عمل مذکور را محکوم نمیکنند . نیروهای دفرمیست و محافظه کار عمل را ماجراجوئی خواندند و آنرا محکوم کردند . برنامه عمل مبارزین ، از آنجا که همزمان با جنگ اعراب و اسرائیل و در خدمت کمک سیاسی و مالی به نیروهای عرب و ضربه به امپریالیسم امریکا طرح ریزی شده بود و همچنین اثر بخشی عمل و طرح وسیع نقطه نظرهای سیاسی در بین مردم کشورهای عربی ، علیرغم شکست آن نکات مثبتی هستند که نباید اثر نادیده گرفت و از جمله خواستهائی است که مبارزین جان خود را درین سر ان فدا کردند .

نتیجه‌ای عایدشان نشد - انسان هیچوقت تا شکنجه نشده ، حتی شکنجه معمولی را با خواندن و شنیدن نمیتواند درک کند و بواقعیت این نوع مقاومتها پی ببرد . جلادان خونخوار و ددمنش از سرسختی و مقاومت قهرمانانه بهروز واقعا دیوانه شده بودند ، در مرحله بعدی استخوان و دنباله بهروز را که از گوشت پوستش بیرون زده بود سوزاندند ... همان جواب را شنیدند ، سوزاندند ... همان جواب را شنیدند ... و دیگر جوابی نشنیدند . بهروز بیوش و فلج شده در زیر شکنجه‌ها شهادت رسید و حماسه آفرید . و از آن پس نه خودش را قدیم و نه صدایش را شنیدیم . فقط طنین صدای بهروز بود در گوشمان و افسانه قهرمانی و قاداری بخلق بهروز بود در قلبمان .

★ توطئه جدید رژیم در دانشگاه تهران و مقاومت دانشجویان مبارز - مدتی است که مقامات دانشگاه تهران برنامه داشته‌اند که قسمتهای مختلف دانشکده‌های دانشگاه تهران را از یکدیگر جدا کرده و پنحوی از محل دانشگاه دور نمایند تا بدینوسیله جلوی تظاهرات و فعالیتهای دانشجویان را بگیرند. از اول سال تحصیلی جاری (اوائل مهر) قرار میگذازند که قسمت مهندسی برق دانشکده فنی را از محل دانشگاه جدا کنند، همچنین شاع میشود که قرار است دانشکده حقوق و بخش فیزیک دانشکده علوم را هم بطریقی از محل دانشگاه تهران جدا کنند. دانشجویان مبارز دانشکده فنی که هوشیارانه به‌ماهیت این نوع توطئه‌ها پی می‌برند، دست باعصاب می‌زنند. تماسهای مختلف مقامات دانشگاه با اولیاء دانشجویان و دو بار دعوت آنها بدانسگاه نمیتواند جلوی ادامه اعتصاب را بگیرد. روز شنبه ۱۲ آبان، دانشجویان فنی بساختمان دانشکده پزشکی رفته و دست بتظاهرات وسیعی می‌زنند، پلیس بدانسجویان حمله میکند و در این جریان همه شیشه‌ها و پنجره‌های دانشکده پزشکی شکسته میشوند از آن موقع تا بحال، دانشکده‌های پزشکی و فنی تعطیل هستند و شاع است که این دوره تحصیلی دانشکده فنی منحل خواهد شد.

★ هنگام کنکور از طرف دانشجویان یک اعلامیه چاپ شده و بین دانشجویان در دانشگاه بخش میشود. در اعلامیه رجع به جریان خرید اسلحه و برخی مسائل افشاگرانه صحبت شده و در پایان گفته شده که «همین دلایست که ما دانشجویان کتاب را رها کرده و سلاح بدست گرفته ایم». و دانشجویان جدید را به آگاهی سیاسی دعوت کرده‌اند. شدت کنترل نیروهای امنیتی در روزهای کنکور امسال نسبت به سالهای قبل بیشتر بود و عده‌ای از افراد گارد امنادی با آمادگی کامل در خیابان مقابل درهای ورود و خروج از ازدحام جلوگیری میکردند. تعدد افسران مجبزه به بی سیم نیز بسیار قابل توجه بود. ★ چندی پیش پلیس جهت گستردن دمی جهت دستگیری افراد مورد نظر در منزلی بسست مینشینند و در اینمدت غذای دلخواه خود را از صاحبخانه میطلبیده‌اند و پس از چند روز که رفع مزاحمت میکنند صاحبخانه متوجه میشود که مقداری طلا و جوهرات از منزلش ربوده شده است.

★ زندان مشهد - بمناسبت چهلم مجاهد شهید رضا رضائی و سالگرد سی ام خیر مجلس ترحیم برقرار بوده و زندانیان سرود خوانده‌اند ملاقات ممنوع بوده و سرهنگ رئیس زندان شدت ناراحت بوده است. ★ زندان قصر تهران - در زندان قصر، بند چهار، زد و خورد شدیدی شده و گویا چند نفر کشته شده‌اند. در بند سه قصر نیز زد و خورد شده و مسعود رجوی مجاهد اسیر را شدیداً کتک زده‌اند.

★ وضع شهرستان بروجرد منقلب است از بعد از عید مرتباً هیئتیهای ارتشی در اطراف شهر در پروازند و عده زیادی دستگیر شده‌اند. تنها در یک نوبت دستگیری که حدود اوایل تیرماه سال جاری صورت گرفته قریب به سی نفر دستگیر شده‌اند. غالب دستگیر شدگان محصل و دبیر میباشند.

پیام

فاندر بزرگ اسلام، مرجع عالیقدر جهان تشیع، حضرت آیت الله العظمی خمینی مدظله

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در این موقع که آتش جنگ بین مسلمان و کفار صهیونیست شعله‌ور است و ملت اسلام برای احقاق حق خود اسرائیل غاصب جان بر کف نهاده، در میانهای نبرد فداکاری میکنند، بامر شاه، دولت ایران بمناسبت سالروز جنگ دو هزار و پانصدساله در سراسر کشور جشن بپا کرده است. جشن برای شاهان خونخواری که نمونه آنان امروز مشهور است. مسلمان برای مجد و عظمت اسلام، آزادی فلسطین، در خاک و خون میفلطند، ولی شاه ایران برای رژیم بینالمللی شاهنشاهی جشن و سرور بپا میکند.

همزمان با دفاع ملت بزرگ اسلام، عرب از نوامیس اسلام و مسلمان بامر این مرد خبیث بدارس اسلامی دختران ایران هجوم برده، متک محترمت را نموده، از آنان سلب آزادی کرده‌اند. هنگامیکه دشمنان اسلام، کشورها اسلامی را تهدید میکنند و مردانی غیور برای دفاع و احقاق حقوق خود، مردانه بپا خاسته‌اند، شاه ایران باصفا سازی در سراسر ایران تظاهرات راه انداخته با امضای روحانی نمایان در باری و ساخته دست سازمانهای اوقاف و انست بام علمای اسلام تلگرافات تبریک صادر مینماید.

● در شرایطی که مسلمان برای آزادی فلسطین و سرزمینهای خود جانفشانی میکنند، شاه، جمعیت کثیری از علماء، فضلا و آساتید بر جسته سوزدهای علیه و بسیاری دیگر از روشنفکران ایرانی را بزندندان و تبعید کشید و تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار داده است. میتوان گفت که این صحنه‌سازیها و دستگیری‌ها برای سرگرم کردن ملت ایران بمصیبتهای خود و دور نگه داشتن اذهان از جنگ ملت اسلام با اسرائیل است. وحشت از گسترش مبارزه و ایجاد هم‌آهنکی بین کلیه طبقات و پشتیبانی قاطبه ملت مسلمان ایران از جنگ عادلانه مردم عرب است که موجب شاه دست بزندندان و تبعید غیر قانونی و بدون جهت علماء و روشنفکران بزند، تا مبادا اعتراض کنند که چرا رژیم ایران در این امر حیاتی که برای مسلمان پیش آمده بی تفاوت است؟؟ و یا از اسرائیل طرفداری میکند؟؟ و با اینکه اکثریت قریب باتفاق دولتهای اسلامی و بسیاری از دولتهای غیر اسلامی از اعراب درحال جنگ پشتیبانی کرده‌اند، دولت ایران و شاه بی حیثیت، روی سرپردگی باآمریکا و اظهار تبعیت هرچه بیشتر، بظاهر ساکت و در واقع طرفداری از اسرائیل میکنند. این شاه ایران است که دست اسرائیل را در سراسر ایران باز گذاشته و اقتصاد ایران را بخطر انداخته است و بنابنوشته بعضی از جرائد خارجی افسران ایرانی را برای دیدن تعلیقات بااسرائیل میفرستد.

این شاه است که نفت ایران را بدشمنان اسلام و بشریت تسلیم کرده قادر جنگ با مسلمان و اعراب غیور بکار و باقرار داد رسوای اخیر و افزایش استخراج نفت، بمبارزه علیه کشورهای نفت خیزی که میخواهند از حربه علیه آمریکا استفاده کنند، برخاسته است. و بالاخره این غارتگرها، خریدن میلیاردها دلار اسلحه و تجهیزات گوناگون و بی در پی شاه است که موجب بالا رفتن هزینه زندگی و گرانی سرسام‌آور اجناس گردیده، ایران را به قطعی بخطر تهدید میکند.

من بيم آن دارم که میلیاردها دلار اسلحه ایرا که از اربابان جهانخوار خود خریداری نموده و با خرید آن ایران را به ور شکستگی کشانده، اکنون بااسرائیل بذرستد. من خوف آن دارم که ارتش ایران را با مهانی که ببدن قطعی و گرسنگی و بالاخره خون مردم محروم ایران بدست آورده، مجبور کند که قلوب گرم و پز احساس مجاهد اسلام را آهنگر قرار دهند.

من از این خدمتگذار بی‌چون و چرای آمریکا برای جهان اسلام احساس خطر میکنم. اکنون بزم ملت محرم ایرا است که این جبار را از این جنایات باز دارند. و بر ارتش ایران وصاحب منصبان است که بیش از این بی‌بند و بدهند و برای استقلال وطن خود چاره جوئی کنند.

«وظیفه ملت غیور ایران است که از منافع آمریکا و اسرائیل در ایران جلوگیری کرده و آتزا مورد هجوم قرار دهند، هرچند به نابودی آن بیانجامد». وظیفه علماء اعلام و مبلغین است که جرائم اسرائیل را در مساجد و محافل بزم به مردم گوشزد کنند. علماء اعلام و ملت شریف ایران نباید در این امر ساکت باشند و لازم است از هر طریق ممکن را وادار کنند که در صف مسلمانان قرار گیرد و از خیانت بیشتر به قرآنت و پیروان آن بپرهیزد. و جنایات این غارتگر خونخوار را بیش از پیش بر ملاء سازند تا چهره باطنی او بهتر روشن گردد و اگر سوسد ایران برای کمک بااسرائیل مشغول فعالیت باشند - چنانکه هستند و بی شک از کمک شاه هم بر خوردار میباشند - بر ملت ایران است که از آن جلوگیری کنند و برای مجاهدینی که در آتش و خون بسرمیبرند صدوق اعانه ای باز نمایند و از هیچ کوششی خود داری نوزند.

اینجانب کرارا خطر اسرائیل و عمال آنرا که در رأس آنها شاه ایسران است، گوشزد کرده‌ام. ملت اسلام را بجز ترمه فساد را ازین ننگند، روی خوش نمی‌بینند و ایران تا گرفتار این دودمان ننگین است روی آزادی نخواهد دید. از خداوند متعال نصرت مسلمان و خذلان اسرائیل و عمال سیاه آفتزا خواستارم.